



مقالات و اعلامیه های برگزیده
 از کار ۲۳۱ - چهارشنبه ۱۴ اردیبهشت ۱۳۷۹

سرمقاله

مردم را به مقاومت در برابر کودتا
 فرا خوانید!

رفسنجانی:

کنفرانس برلین مثل واقعه طبس یک امداد غیبی بود

مهرانگیز کار و شهلا لاهیجی زندانی شدند

انتخابات دوره دوم،

عرصه دیگری از مبارزه مردم با تمامیت‌گرایان

صدا و سیما ستاد ایجاد بحران در کشور

جنبش اعتراضی دانشجویان به توقیف مطبوعات

به مناسبت اول ماه مه، روز جهانی کارگر

دهها هزار کارگر علیه سیاست ضدکارگری

مجلس و ((حجره‌نشینان)) تظاهرات کردند

اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

تعطیلی روزنامه‌ها را محکوم می‌کنیم

اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

مقاومت علیه تهاجم به مطبوعات

و اصلاحات سیاسی را سازمان‌دهیم!

پیام شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

به مناسبت روز اول ماه مه

با کار تماس بگیرید

سرمقاله

مردم را به مقاومت در برابر کودتا فرا خوانید!

رفسنجانی پس از کودتای هفته گذشته کاملاً نقاب از چهره برگرفت و در نماز جمعه ۹ اردیبهشت، اعلام کرد این بار نیز مانند سال ۱۳۶۰، به آزادی بیان نسبی دو - سه ساله پایان داده می‌شود. این کودتاچی کهنه‌کار، یا خود باور کرده است یا می‌خواهد به تتمه امت حزب‌الله بقبولاند (یا هر دو) که سال ۱۳۷۹، سال ۱۳۶۰ است.

اما رفسنجانی و خامنه‌ای و کل جناح مسلط بر حکومت، در این معادله قدرت، یک پارامتر را فراموش کرده‌اند، پارامتری که در نهایت، سرنوشت مبارزه تاریخی علیه استبداد در میهن ما را رقم خواهد زد. این عامل، مردمند. مردمی که ۲۰ سال پس از او انقلاّب، اندوخته‌ای گرانبها از تجربه تاریخی دارند و با بهره‌گیری از این تجربه، در سه رای‌گیری پیاپی سراسری از سال ۱۳۷۶ تا کنون، دست رد بر سینه ارتجاع و استبداد حاکم زده‌اند. این مردم، در سال ۱۳۶۰، چنین تجربه‌ای نداشتند. به زور سرنیزه می‌توان روزنامه‌ها را بست و روزنامه‌نگاران را به زندان انداخت، اما اندیشه و روان مردم را نمی‌توان به اسارت کشید. مردم، ۱۱ سال پیش خمینی و همراه با او، این توهم را که از امامزاده ولایت فقیه معجزه‌ای برمی‌آید، به تاریخ سپردند. خامنه‌ای، کاریکاتوری از خمینی بیش نیست، مترسکی که بر خلاف خمینی، با هر باد مخالف (مانند توفان کوتاه مدت، اما مهیب ۱۸ تیر ۷۸) به لرزه و زاری می‌افتد. اگر خمینی با پشتوانه ۲۰ سال مقاومت در برابر شاه، توده‌های میلیونی را فریفته سرسختی و یکدندگی خود کرده بود، جانشین او در نزد مردم واکنشی جز ریشخند و تنفر بر نمی‌انگیزد. و شریک او، رفسنجانی نیز در انظار مردم، مظهر قدرت‌پرستی، مال‌اندوزی، دروغ‌گویی و وقاحت است. رفسنجانی که خود را بسیار زیرک می‌داند، دیگر از ۲۹ بهمن گذشته باید درک کرده باشد که اکثریت مردم درباره او چه می‌اندیشند.

پس اگر پیام ۹ اردیبهشت عالیجناب سرخ‌پوش به مردم و اصلاح‌طلبان، این بود که با بستن روزنامه‌ها، ((آن سبو بشکست و آن پیمانہ ریخت))، پاسخ او چنین است که سبو و پیمانہ سال ۱۳۶۰ نیز شکسته و ریخته است. دیگر حنای استبداد مذهبی نزد مردم رنگی ندارد. مهم‌ترین رکن دیکتاتوری آخوندی که فریب توده‌ای است، ویران شده است. آخرین ضربه بر این ((عمود خیمه)) ولایت فقیه را خود خامنه‌ای و رفسنجانی با کودتای شبانه ۵ اردیبهشت فرود آوردند. در درازمدت، کودتای اردیبهشت شکست مفتضانه‌ای خواهد خورد. شاید رهبری جمهوری اسلامی خود بر این باور است که سال ۷۹ نیز مانند سال ۶۰، آغاز دوره‌ای طولانی از آرامش گورستانی است. زهی خیال خام. اگر مردم از سال ۶۰ تا سال ۷۶، شانزده سال زمان نیاز داشتند تا با رای میلیونی خود، جنبش اصلاح‌طلبی را آغاز کنند، باید هفت سال دیگر از جنگ و هشت سال سایه سنگین خمینی بر فکر و روح خود را پشت سر می‌گذاشتند. پس از آن نیز، خود ((سردار سازندگی)) با پرچم اصلاحات توانست مدتی کوتاه، برخی از مردم را بفریبد. مردم، این تجربه‌ها را پشت سر دارند، به اضافه دوره‌ای پربارتر از دوم خرداد بدین سو، که در آن توهم‌ها به هر چه رنگ و بوی حکومت مذهبی می‌دهد به شدت فرو ریخته است. به آقای رفسنجانی اطمینان می‌دهیم که حتی اگر کودتای ۷۹ موفق شود، تا موج بعدی چندان طول نخواهد کشید.

لیک، اگر توطئه خائنانه خامنه‌ای و رفسنجانی، پیشرفت مبارزه علیه استبداد را چند صباحی هم به عقب افکند، جای دریغ است. نباید گذاشت چنین شود. در موفقیت کودتای سیاه امسال، هنوز اما و اگرهای فراوانی است. همه چیز بدین بستگی دارد که اصلاح‌طلبان حکومتی از بزرگترین پشتوانه خود که نیروی لایزال مردم است، بهره گیرند یا نه. همه چیز بدین بستگی دارد که جبهه دوم خرداد در حکومت، میان هم‌پیمانی با امثال رفسنجانی و وفاداری به برنامه‌ای که از دوم خرداد ۷۶ تا ۲۹ بهمن ۷۸ با آن، اعتماد مردم را جلب کرده است، کدام را انتخاب‌کند.

انتظار آزادیخواهان از اصلاح‌طلبان حکومتی و در راس آنان، رئیس جمهور، این است که مردم را به مقاومت در برابر کودتای خائنانه ۵ اردیبهشت فرا خوانند. این مقاومت، الزاماً به قهر کشیده نخواهد شد. کوی دانشگاه را می‌توان شبانه به خون کشید، اما تظاهرات آرام میلیون‌ها نفر را نه. وقتی این سطور منتشر می‌شوند، ۲۴ ساعت بیشتر به پایان مهلت قانونی تبلیغات برای مرحله دوم انتخابات مجلس نمانده است. اما تا مناسبت بعدی، که سالگرد دوم خرداد است، دو هفته وقت باقی است. پیشنهاد ما این است که به سنت دو سال گذشته، نیروهای اصلاح‌طلب حکومتی مردم را برای شرکت در بزرگداشت دوم خرداد فرا خوانند. جناح مسلط بر حکومت، هیچ بهانه‌ای برای ممانعت از هر چه گسترده‌تر برگزار کردن این مراسم ندارد. شعارهای دوم خرداد، در این مراسم باید مورد تاکید مجدد قرار گیرد. آقای خاتمی باید در این گردهمایی سخنرانی کند و به مردم بگوید که جنبش دوم خرداد ادامه دارد. رئیس جمهور، اگر به قانونیت پایبند است، باید ماهیت غیرقانونی کودتا علیه مطبوعات را که با قوانین خود جمهوری اسلامی نیز به هیچ عنوان توجیه‌پذیر نیست، افشا کند.

در کنار بسیج مردم، اصلاح‌طلبان حکومتی اهرم‌های دیگری نیز برای مقابله با کودتا در دست دارند. وزارت ارشاد باید هر چه زودتر از انتشار روزنامه‌های جدید اصلاح‌طلب حمایت کند. نمایندگان اصلاح‌طلب مجلس ششم باید جلسات خود را بدون اینکه منتظر تشکیل مجلس شوند، برگزار کنند و پیشبرد لوایح و طرح‌های اصلاحی را تدارک ببینند.



رئیس جمهور و وزارت کشور باید به شورای نگهبان اتمام حجت دهند که مطابق قانون اساسی، مجلس باید حداکثر ظرف دو هفته پس از انتخابات مرحله دوم، تشکیل شود.

روزنامه‌نگاران آزاده و شجاعی که در سال‌های اخیر، از ارکان اصلی جنبش اصلاح‌طلبی بوده‌اند، نباید تسلیم کودتا شوند. در کنار انتشار روزنامه‌های جدید، راه انتشار بولتن‌ها از طریق اینترنت باز است و می‌توان از این طریق، حداقل بخشی از آگاه‌ترین مردم را خطاب قرار داد.

چشم امید مردم هنوز به نیروهای اصلاح‌طلب در داخل حکومت دوخته شده است. این نیروها باید مسئولیتی را که بر دوش دارند، دریابند. ((هر کس مبارزه کند، شاید شکست بخورد. هر کس مبارزه نکند، شکست خورده است)).

رفسنجانی:

کنفرانس برلین مثل واقعه طبس یک امداد غیبی بود

هر هفته، به روزهای پایانی آن که نزدیک می‌شویم، برای بسیاری این سؤال طرح می‌شود که نماز جمعه این هفته تهران را چه کسی برگزار خواهد کرد و چه کسی سخنران پیش از خطبه‌های آن خواهد بود. نمایش هفتگی خنده‌دار نمازجمعه ارومیه به امامت حسنی امام جمعه آن شهر البته مزاح و پرفروش شدن نشریه صبح‌امروز می‌شد اکنون با بسته‌شدن آن روزنامه، نشریه بیان این‌کار را ادامه می‌دهد - اما هنوز با نماز جمعه تهران نمی‌توان اینگونه برخورد کرد، هرچند که محتوا و فرازهایی از سخن بعضی از خطیبان در بسیاری از موارد دست‌کمی از سخنان حسنی ندارد. این هفته در نبود بسیاری از روزنامه‌ها و یک هفته پیش از انتخابات دور دوم مجلس ششم جمهوری اسلامی و در اوج تشنج و رویارویی دوجناح اصلی حکومت، اهمیت زیادی داشت که چه کسی خطیب نماز جمعه باشد و چه بگوید. ستاد ائمه نماز جمعه به احتمال زیاد نه تصادفی و قاعدتا با مشورت با خامنه‌ای، دکتر الهام یکی از تئورسین‌های جناح راست افراطی را به عنوان سخنران پیش از خطبه و هاشمی رفسنجانی، مرد هزارچهره رژیم و پدرخوانده مافیای قدرت را برای ((خطابت)) انتخاب کرده بود. رفسنجانی که در این روزها روشن شده است سلسله جنبان ((ستاد بحران‌ساز)) برای اصلاح‌طلبان است، در خطبه نماز جمعه با مقایسه شرایط کنونی با زمان رسیدن علی، امام اول شیعیان به خلافت و سال‌های ۱۳۵۸ تا نیمه ۱۳۶۰ کوشید که جبهه خشونت‌طلبان را به مبارزه‌جویی و عدم سازش با رادیکال‌های جناح اصلاح‌طلب و آزادی‌خواه ترغیب کند. وی در خطبه‌های خود با اشاره مکرر به سخنان اخیر ((رهبر))، زیرکانه کوشید ضمن سپردن او، حمله به مخالفان خود و جناح راست را سامان دهد.

او از جمله گفت: ((رهبر انقلاب گفتند اگر شرایط حرکت امام حسن و امام حسین را مقایسه کنید و بخواهید بدانید شرایط امروز کشور چگونه است، مطمئن باشید سیاست نظام، سیاست امام حسن نیست. سیاست ما امام حسینی (تو بخوان یزیدی) است)).

به این ترتیب رفسنجانی کوشید به مخالفان خود بفهماند که جناح قدرتمندی از حکومت شمشیر را از رو بسته است و به منظور حفظ قدرت خود قصد دارد که راه سازش را بر خود و مخالفان خود ببندد. با مقایسه شرایط کنونی با سال‌های ۵۸ تا ۶۰ و نام بردن از لیبرال‌ها، کمونیست‌ها و منافقین (مجاهدین)، وی عملاً نشان داد که اندیشه سرکوب دوباره‌ای را در سر می‌پروراند. این امر که وی عامداً، حتا یک بار نیز از خاتمی نام نبرد، نگران‌کننده است و این احتمال را که جناح راست، آینده‌ای چون بازرگان و بنی‌صدر را برای خاتمی در نظر گرفته است، در اذهان زنده می‌کند.

رفسنجانی در خطبه‌اش، از حمایت از صدا و سیمای جمهوری اسلامی نیز غافل نماند و در این ارتباط گفت ((اگر فشار روی صدا و سیما بیاوریم، اگر اعتماد مردم به رسانه ملی کم شود، در روزهای حساس چگونه مردم را توجیه کنیم؟)). رفسنجانی هم چون خامنه‌ای در خطبه‌اش از اصلاح‌طلبان حکومتی خواست که صف خود را از اصلاح‌طلبان رادیکال و آزادی‌خواه جداسازند و همچون او برای مشکلات معیشتی مردم دل سوزانند.

اما یکی از جالب‌ترین نکات سخنرانی رفسنجانی تحلیل او از کنفرانس برلین بود. وی با اشاره به واقعه طبس، آن را از جهاتی شبیه کنفرانس برلین دانست و گفت که در هر دو جا ((امداد غیبی)) را می‌بیند. به زعم او آلمانی‌ها با این حرکت خود می‌خواستند اصل انقلاب برچیده شود و اکنون با خفت مثل جریان میکونوس شکست خود را قبول کرده‌اند.

سخنانی که رفسنجانی و خامنه‌ای در هفته‌های اخیر ایراد کرده‌اند، به‌رغم آگاهی مردم از اثرات تخریبی آن، خالی از خطر نیست. با این وجود در این روزها که مردم شهرهای زیادی از کشورمان، خود را برای شرکت در مرحله دوم انتخابات مجلس ششم آماده می‌کنند، پادزهر این سخنان را در کف خود دارند. آنها به کرات نشان داده‌اند که زنان و مردان پیروز در دقیقه ۹۰ مسابقه با مرتجعان هستند.

این روزها نشریات عدیده‌ای را بسته‌اند تا پیام آزادی‌خواهان و خشونت‌ستیزان به مردم نرسد، اما شکی نیست که در جمعه این هفته، با وجود امکانات کم تبلیغی مخالفان اقتدارگرایان، حماسه‌ای دیگر را، گرچه در ابعادی کوچکتر، در این شهرها تکرار خواهد کرد.

رفسنجانی حق دارد که شرایط کنونی را با سال‌های ۵۸ تا اواسط ۶۰ مقایسه کند. با این تفاوت کوچک که در آن روزها رژیم جمهوری اسلامی در هر حال تازه و جوان و پرترفدار بود و رو به تثبیت می‌رفت و امروز کهنه و فرتوت است و رو به افول می‌رود. آری، شرایط شبیه هم‌اند، اما جهت روندها، برعکس هم.

مهرانگیز کار و شهلا لاهیجی زندانی شدند

قوه قضائیه برای کاظم کردوانی و یوسفی اشکوری نیز پرونده‌های قطوری گشوده است علی‌افشاری از دیگر شرکت‌کنندگان در کنفرانس برلین نیز راهی زندان شد

قوه قضائیه جمهوری اسلامی در هماهنگی با جناح انحصارطلب حاکم و در پیوند با چار و جنجال‌ها و اخبار مخدوش رادیو و تلویزیون رسمی و روزنامه‌های خشونت‌گر، تاکنون شماری از شرکت‌کنندگان در کنفرانس برلین را برای بازجویی احضار کرده است. از میان این عده برخی با قرار وثیقه آزاد شده‌اند، اما برخی دیگر را روانه زندان کرده‌اند. اکبر گنجی نخستین فردی بود که بلافاصله پس از بازگشت به ایران به بازجویی احضار و از آنجا روانه زندان گردید.

روز شنبه گذشته نیز خانم‌ها مهرانگیز کار و شهلا لاهیجی پس از رجوع به دادگستری تهران دستگیر و روانه زندان شدند. اندکی بعدتر نیز نوبت به علی‌افشاری، مسئول بخش سیاسی دفتر تحکیم وحدت رسید. او نیز پس از بازجویی به خانه بازنگشت و با حکم بازداشت سر از زندان اوین درآورد. بازجویی از شرکت‌کنندگان در کنفرانس برلین بطور عام و زندانی کردن تعدادی از آنها بطور خاص بیش از پیش پرده از نقشه‌های جناح محافظه‌کار حاکم برای سرکوب اصلاح‌طلبان و بویژه اصلاح‌طلبان خارج از حکومت برمی‌گردد. اکبر گنجی در افشاگری‌ها و روشنگری‌های خویش نشان داد که هیچ مصلحت و ملاحظه‌ای جز آگاهی مردم را ارزش نمی‌گذارد. و از این رو بیش از پیش از حلقه اصلاح‌طلبان حکومتی که باید مصلحت‌ها و ملاحظاتی را رعایت کنند، فاصله گرفت، بدینسان خشم و غضب باندهای مافیائی قدرت را نسبت به خویش فزون‌تر ساخت. علی‌افشاری نیز به نوعی رهبر تحکیم وحدت یعنی رهبر تشکل دانشجویی وابسته به اصلاح‌طلبان حکومتی و لاجرم رادیکال‌ترین بخش این اصلاح‌طلبان به شمار می‌رود و از این رو زندانی کردن وی توسط قوه قضائیه نیز غیرقابل فهم نیست. در این میان خانم‌ها شهلا لاهیجی و مهرانگیز کار که زندانی جناح محافظه‌کار حکومت شده‌اند، نه تنها از اصلاح‌طلبان (غیرخودی) بشمار می‌روند، بلکه ((جرم)) دیگری هم دارند و آن دفاع موثر و بی‌وقفه‌شان از حقوق پایمال شده زنان ایران است. سابقه خانم کار چه به عنوان روزنامه‌نگار و حقوقدان و چه به عنوان یکی از مدافعان حقوق زنان در ایران که کتاب‌ها و مقالات متعددی را نیز در این زمینه به رشته تحریر در آورده از یکسو و فهرست کتاب‌هایی که انتشارات روشنگران یعنی همان انتشاراتی که خانم لاهیجی مسئولیتش را به عهده دارد از دیگرسو ((جرم‌هایی)) نیستند که محافظه‌کاران و زن‌ستیزان جمهوری اسلامی به راحتی از آنها چشم‌پوشند. بی‌سبب نیست که برای آزادی موقت این دو حاضر به تعیین وثیقه هم نشده و آنها را به زندان فرستاده‌اند.

قوه قضائیه برای کاظم کردوانی و یوسفی اشکوری نیز پرونده‌های قطوری گشوده است که به محض بازگشت برای دستگیری آنان اقدام کند.

انتخابات دوره دوم،

عرصه دیگری از مبارزه مردم با تمامیت‌گرایان

شورای نگهبان و جریان محافظه‌کار به رهبری خامنه‌ای بعد از هفته‌ها درگیری و ضربات سنگینی که بر روند اصلاحات و توسعه سیاسی در کشور وارد کردند سرانجام به برگزاری مرحله دوم انتخابات تن دادند. قرار است روز جمعه هفته جاری برای انتخاب نمایندگان کرسی‌های خالی مجلس ششم در ۵۲ حوزه انتخابیه سراسر کشور، انتخابات مرحله دوم برگزار شود.

مرحله دوم انتخابات در شرایطی برگزار می‌شود که اوضاع در کشور چنان پراکنده و انفجاری است که جرعه کوچکی می‌تواند به حوادث غیر قابل پیش‌بینی منجر شود. عامل اصلی هیجان و آشفتگی کشور اقدامات سرکوب‌گرانه جناح تمامیت‌خواه حکومت به رهبری خامنه‌ای به ویژه از ۲۹ بهمن سال گذشته تاکنون است. محافظه‌کاران که در روز ۲۹ بهمن در مرحله نخست انتخابات شکست بی‌سابقه‌ای متحمل شدند و اکثریت را در مجلس از دست دادند در فاصله ۳ ماه که از زمان برگزاری مرحله نخست انتخابات می‌گذرد برای بازگرداندن آنچه که از دست داده‌اند و برای جلوگیری از ادامه شکست به ترور، دستگیری‌های گسترده مخالفین، تعطیلی روزنامه‌ها، نمایش قدرت نظامی و... دست بردند بدون آنکه اندکی روی پیامد زیان‌بار اقدامات خود علیه آزادی‌های اساسی مردم و مصالح ملی کشور درنگ کنند.

حجاریان مشاور رئیس جمهور چون مدافع اصلاحات است قربانی قدرت‌طلبی آنان شد، ۱۴ روزنامه را که مستقل، پیرو اصلاحات، توسعه سیاسی و مشارکت مردم در سرنوشت سیاسی کشور بودند در فاصله ۳ روز تعطیل کردند. اقدامی که در تاریخ مطبوعات ایران در نوع خود کم‌سابقه است. آنان نتایج انتخابات تهران را هنوز هم نپذیرفته‌اند و به بهانه برگزاری کنفرانس برلین و با تحریک احساسات دینی مردم در کشور آشوب ایجاد کرده‌اند، روزنامه‌نگاران مستقل را یک به یک روانه زندان می‌کنند و برای ایجاد جو رعب و وحشت در خطبه‌های نماز جمعه تهران آگاهانه می‌گویند ((اوضاع شبیه سال‌های ۵۸ تا نیمه سال ۶۰)) است.

آنان در آستانه انتخابات قصد دارند با ایجاد خفقان و پلیسی کردن اوضاع مردم را مایوس سازند و به خانه‌هایشان بفرستند. اما همانطور که مردم در تظاهرات خلخال و سروستان گفتند، ((اگر انتخابات را هزار بار هم باطل کنند، مردم باز

هم به دوم خرداد رای خواهند داد)). و صحنه مبارزه را ترک نخواهند کرد. مردم می‌دانند که در برابر مقاومت یکپارچه آنان دست سرکوبگر سست خواهد شد و درهم خواهد شکست. مردم از عظمت پیروزی خود در دوم خرداد و ۲۹ بهمن به خوبی آگاه هستند و برای دفاع از این پیروزی یک گام عقب نخواهند گذاشت. عظمت ۲۹ بهمن و رای تاریخی مردم از واکنش دشمنان آزادی پیداست. تلاش‌ها و اقدامات شورای نگهبان و مجموعه جبهه مخالفان برای بازگرداندن اوضاع به پیش از دوم خرداد و حفظ اکثریت در مجلس نشان می‌دهد که محافظه‌کاران چه ضربه سنگینی از حرکات تاریخی مردم خورده‌اند. در روز ۲۹ بهمن با رای مردم دست دشمنان آزادی و شاید سیاسی آنان رفسنجانی از قوه مقننه کوتاه شد. برای تمامیت‌گرایان ضربه ۲۹ بهمن از هر جام زهری کشنده‌تر بود.

مطلوب کسانی که جز زبان شمشیر، خونریزی و ((شکستن مجسمه)) مخالفان راهی برای حل مشکلات جامعه نمی‌شناسند فراهم کردن شرایط از روپستن شمشیرهاست. اما مردم آگاه‌تر و باتجربه‌تر از آن هستند که به دشمنان آزادی فرصت دهند که بازی مطلوب خود را بر جامعه تحمیل کند. مردم در ۲۲ خرداد، ۲۹ بهمن و حتی ۲۲ بهمن سال ۵۷ نشان دادند که بدون توسل به قهر می‌توان بر ستایشگران آتش و گلوله پیروز شد به شرط آن که در جبهه مدافعان آزادی برخی از جریان‌های ناپیگیر با چماق بیماری ((توده‌گرایی)) و ((پوپولیس)) (روزنامه هم‌میهن - ۱۸ اردیبهشت) مانع یکپارچگی و اتحاد مردم نشوند.

۱۶ اردیبهشت فرصت دیگری است برای عقب نشان دادن دشمنان آزادی و هموار کردن راه جنبش اصلاح‌طلبی ۱۶ اردیبهشت باید تداوم حرکت تاریخی ۲۹ بهمن باشد. هدف جنبش اصلاح‌طلبی از شرکت در انتخابات ۱۶ اردیبهشت فقط کسب اکثریت در مجلس و مجلس به عنوان تمام جنبش اصلاح‌طلبی نیست. مجلس سنگری است که نباید به دشمنان آزادی واگذار کرد. هر سنگری که ستایشگران استبداد و ولایت فقیه در آنجا کمین کنند باید به تسخیر درآورد. در روز ۱۶ اردیبهشت آن کاندیدا و کاندیدای آن حزبی شایسته اعتماد مردم است که همین امروز در جبهه مبارزه برای آزادی، آزادی روزنامه‌های تعطیل شده، آزادی روزنامه‌نگاران، لغو قوانین ضد مردم‌سالاری دوش به دوش مردم برزند.

صدا و سیما ستاد ایجاد بحران در کشور

بنیاد فرهنگی هاینریش بل و حزب سبزه‌های آلمان تئو چند از اصلاح‌طلبان و روشنفکران داخل کشور را جهت شرکت در کنفرانس ۳ روزه تحت عنوان ((ایران پس از انتخابات مجلس)) به برلین دعوت نمود. کنفرانس با حضور گسترده ۱۵۰۰ تن از ایرانیان در خارج برگزار گردید. از همان آغاز، این همایش با روش جنجالی چماقداران اقلیتی محدود، عمدتاً از وابستگان حزب کمونیست کارگری روبرو گردید و بارها به تشنج کشیده شد. چند روز بعد از سوی محافظه‌کاران و خشونت‌طلبان مظالمین و حوادث جاری در این کنفرانس دست مایه و مستمسکی گشت تا اصلاح‌طلبان، روشنفکران و دستاوردهای گرانقدر جنبش دوم خرداد، زیر حملات شدید جناح تمامیت‌گرا قرار گیرد. توقیف نشریات و به مخاطره افکندن امنیت روزنامه‌نگاران و تشدید فضای ارباب علیه نویسندگان و روشنفکران پس از برگزاری کنفرانس برلین و زمینه‌سازی و جو آفرینی برای جاسوسی و نفوذی معرفی ساختن طیفی از اصلاح‌طلبان فرصت مناسبی را در اختیار مخالفین اصلاحات قرار داده تا برنامه مافیای قدرت را در خدمت ابطال رای مردم و عدم تشکیل مجلس ششم بکار گیرند. پس از اخذ نتایج انتخابات مجلس ششم بسیاری بر این باورند که جریان به ظاهر معتدل جناح محافظه‌کار حکومت از مشاهدات و نتایج انتخابات درس گرفته است و قصد دارد صف خود را از طیف افراطی خشونت طلب جدا سازد. گذشت این ایام و بحران آفرینهای مکرر اثبات نمود که رهبر و رهبران نظام نه تنها از این آزمون تاریخی درس نیاموخته‌اند بلکه در دشمنی و ضدیت با جنبش مردمی ابتکار عمل را در درون این جناح بدست گرفته و گرایش‌های میانه را نیز با خود همراه ساخته‌اند. این جناح می‌رود که با خلق فضای رعب و وحشت، خشونت‌گریان و بی‌ثباتی را به جامعه تحمیل کند. آنها می‌خواهند با ایجاد این موانع، ضرورت اصلاحات در ساختار سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را از دستور جنبش خارج سازند. مافیای قدرت با بحران‌سازی و تهاجم شبکه‌ای خود، رسماً قصد دارد اغواگرانه امرخبررسانی آزاد، گفتار آزاد و روند اصلاحات در جامعه را پروژه‌ای خطر آفرین و براندازانه جلوه‌گر سازد تا در پی آن کماکان امکان یابد اهداف و سلطه استبدادی و غارتگرانه خود را بر تمامی شئون زندگی بویژه سیاسی و اقتصادی کشور حفظ نماید. در این میان هر حربه‌ای از سوی محافظه‌کاران مورد استفاده قرار می‌گیرد. یکی از آخرین شگردها استفاده جناحی و خطی از پخش فیلم مونتاز شده کنفرانس برلن است که طی دو مرحله و هر بار نیم ساعت با تدارک تبلیغات گسترده، پیش از شروع فیلم از سوی شبکه یک سیمای جمهوری اسلامی ایران در سراسر کشور به تصویر کشیده می‌شود. این عمل در حالی صورت می‌پذیرد که آقای لاریجانی پس از گذشت ده سال از انتصابش در سازمان صدا و سیما، اخبار و اطلاعات لازم را از مردم پنهان نگاه میدارد و همواره به شعور و آگاهی مردم بی‌اعتنایی میکند. او حتی معتقد است که میباید گزارش صحنه‌های پخش فوتبال را نیز سانسور کرد و نباید سیما به پخش مستقیم و آزاد آن مبادرت ورزد. ولی اکنون علی لاریجانی چرا به یکباره چنین به پخش کنفرانس برلین می‌پردازد؟ مردم آگاه ما بخوبی می‌دانند که این سناریو، دنباله به نمایش گذاردن پروژه‌های قبلی است که تبلور آن در برنامه‌های مستهجن هویت، پخش و برپائی کارناوال شادی در نیمروز عاشورای سال ۱۳۷۶ در آستانه نامزدی سید محمد خاتمی در انتخابات ریاست جمهوری و همچنین اجرای برنامه چراغ با دعوت و حضور روح‌الله حسینیان معنا یافته است که از سیمای انحصار

پخش می‌گردد. اینبار آقای لاریجانی و همفکران کیهان نشینش و دیگر مروجین خشونت در کشور با پخش فیلم گزینشی یاد شده، اقدام به بحران سازی و جنجال آفرینی تازه ای نمایند، زیرا که هدف و استمرار کنفرانس برلین را به ضرر مقاصد سیاسی و جناحی خویش تشخیص می‌دهند و در بلند مدت تداوم برگزاری این نوع کنفرانس ها را زمینه ایجاد پل فرهنگی و سیاسی بخشی از اصلاح طلبان با دیگر ایرانیان برون مزی در تبادل افکار و اندیشه می‌پندارند و سمت نهائی آن را تا حدودی در راه تحقق شعار ایران همه ایرانیان می‌بینند. ترکیب گسترده ای از اصلاح طلبان واقعی، بویژه روزنامه نگاران و تشکل های مستقل دوم خردادی هر روز به این واقعیت نزدیکتر میشوند که تحقق دمکراسی و پیش برد پروژه اصلاحات در ایران بدون حضور و مشارکت و بازگشت سرافرازانه ایرانیان تبعیدی امکان پذیر نیست. کنفرانس برلین شاهدهی زنده بر این ادعاست. از این سو سیمای اکثریت قریب به اتفاق ایرانیان دمکرات خارج از کشور که با منطق گفتمان و گرایش عقلانی و مسالمت جو در مناسبتهای گوناگون تا کنون بازتاب یافته است، بیانگر رشد و آگاهی قشر وسیعی از هم میهنان آزادیخواه و صلح طلب ما در خارج از کشور است. پذیرش ارتباط و گفتگوی دو سویه از طرف بخشی از اصلاح طلبان داخل کشور با قشر بزرگی از آزادیخواهان برون مرز طبعاً در چارچوب های بسته منافع جناحی خشونت طلبان و دیگر محافظه کاران نمی‌گنجد و برای آقای لاریجانی و شرکا راهی جز هتاک، دروغ پراکنی، اتهام زنی و پرونده سازی علیه مدافعین مردم سالاری در کشور باقی نمی‌گذارد. تردیدی نیست که پیامدهای گفتگو و تبادل نظر، حین حفظ بیان صریح و استقلال نظر، تلاش موثر در راه ایجاد زمینه های لازم برای پایان بخشیدن به الگوهای فکری و رفتاری کهنه حذف، تمامیت خواهی و فرهنگ خشونت در کشور است. روشی که اقتدارگرایان و خشونت طلبان بدکردار از مدافعین سرسخت آن بشمار می‌آیند.

جنبش اعتراضی دانشجویان به توقیف مطبوعات

جوسازی و تشنج آفرینی از ویژگی های نیروهای قدرت طلب و سرکوبگر است و محافظه کاران تمامیت خواه درون جمهوری اسلامی ایران، در این زمینه به ((استاد))ی رسیده اند. در پی شکست های چند ساله ای اخیر این نیروها از اصلاح طلبان حکومتی و ژرفش جنبش اصلاح طلب، محافظه کاران در پی فرصتی بوده اند که قدرت در آستانه ای از دست رفتن را، بازیابند. آنچه امروز همه با نام کنفرانس برلین می‌شناسندش، بر بستر ترفند وقیح سیمای جمهوری اسلامی، مستمسکی شد که بار دگر فریاد ((وا اسلاما)) از حلقوم عوام فریبان درون رژیم برخیزد. آیت الله خامنه ای به دنبال این رویداد به ((عوامل نفوذی)) درون مطبوعات اشاره کرد و آنان را خطری جدی و حتا جدی تر از آمریکا برای انقلاب، اسلام و ایران برشمرد و دادستانی تهران با استناد به نگرانی رهبر، دال بر حضور نیروهای نفوذی فرمان به توقیف نشریات مستقل و ((دوم خردادی)) داد.

جلوگیری از انتشار نشریات ناوابسته به محافظه کاران تمامیت خواه، اعتراضات گسترده ای را در پی داشت. در این میان، اما، اعتراض های دانشجویی از برجستگی ویژه ای برخوردار بود. خبرگزاری ها این روزها سرخط خبری خود از ایران را به جنبش اعتراضی دانشجویی در ارتباط با به تعطیلی کشاندن مطبوعات اختصاص داده اند. بی شک نبود تشکل دانشجویی ضعف جدی جنبش دانشجویی است، اما این ضعف در جنبش اعتراضی کنونی - حداقل در این کوتاه زمان، چندان برجسته نبوده است. دانشجویان که هجوم نیروهای سرکوبگر در تابستان گذشته به دانشگاه ها را همچنان به تلخی به یاد دارند، هشیارانه به مقابله با سرکوب ((زنجیره ای)) روزنامه ها برخاستند.

از زاهدان تا شبستر، از بندرعباس تا رشت و از اهواز تا مشهد، دانشجویان در محیط دانشگاه به اعتراض برخاستند. در نبود یک سازمان مستقل دانشجویی - سراسری - انجمن های اسلامی دانشجویی نقش سازماندهی اعتراضات را به عهده گرفته اند. دانشجویان به شیوه های مختلف اعتراض خود را نشان دادند. آن ها با برپایی مراسم سخنرانی، دعوت از صاحب نظران و کارشناسان برپایه ای تریبون های آزاد دانشجویی، نشست های پرسش و پاسخ، تحصن و... مراتب نگرانی و اعتراض خود را به جلوگیری از انتشار روزنامه ها اعلام می‌کنند.

دانشجویان دانشگاه یزد در اعلامیه ای ابراز کردند: ((تعطیلی روزنامه ها و دستگیری روزنامه نگاران را در جامعه ای که به قول رئیس جمهور باید به سوی آرامش گام بردارد... به صلاح کشور)) نمی‌دانند. اینجا و آنجا، در این و یا آن دانشکده، اعتراضات به تعطیلی کلاس های درس انجامید. دانشجویان صنعت آب و برق و دانشگاه آزاد اسلامی فسا - از جمله - از حضور در کلاس های درس خودداری کردند.

مسئولین دفتر تحکیم وحدت به تاسی از رهبران جبهه ای دوم خرداد و به تبعیت از خاتمی رئیس جمهور دانشجویان را به ((حفظ آرامش)) و جلوگیری از ((نفوذی ها)) در صفوف خود فراخواند.

فاتح عضو دفتر تحکیم وحدت (اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان دانشگاه های کشور) از دانشجویان خواست که در کلاس های درس حاضر شوند و هماهنگ با جبهه ای دوم خرداد و استراتژی آقای خاتمی در صحنه حضور داشته باشند. علیرغم این هشدارها - به گزارش رویتر از تهران، دانشجویان در روز شنبه در شهرهای بوشهر، رشت و کرمانشاه به اعتراض های خود ادامه دادند. خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران - ایرانا - نیز گزارش داد که در کرمانشاه - به نقل از دانشجویان دانشگاه کرمانشاه - دانشجویان در کلاس های درس حاضر نشدند.

رویتر همچنین گزارش داد که در تهران و در روز جمعه ای گذشته دانشجویان به عملکرد صدا و سیمای جمهوری اسلامی اعتراض و نقش منفی این بنگاه را در تشنج آفرینی حاضر محکوم کردند.

به مناسبت اول ماه مه، روز جهانی کارگر دها هزار کارگر علیه سیاست ضدکارگری مجلس و ((حجره‌نشینان)) تظاهرات کردند

کارگران خواهان لغو قانون ضدکارگری خروج
کارگاه‌های کوچک از شمول قانون کار شدند

روز یکشنبه ده‌ها هزار کارگر واحدهای مختلف صنعتی تهران و حومه در یک راهپیمایی بزرگ، به مناسبت روز جهانی کارگر، خواهان لغو مصوبه ضدکارگری مجلس شدند و به حمایت از قانون کار و علیه سیاست‌های اتاق بازرگانی و ((حجره‌نشینان)) بازار شعار دادند.

به گزارش ایرنا، کارگران پس از پیمودن مسیر راهپیمایی در مقابل سازمان تامین اجتماعی تجمع کردند. در این راهپیمایی کارگران با سر دادن شعارهایی ضمن انتقاد از عملکرد مجلس پنجم و اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران در زمینه مسائل کارگری، خواستار اجرای کامل قانون کار شدند. سهیلا جلودارزاده، نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی در اجتماع کارگران گفت: مجلس با تصویب طرح معافیت کارگاه‌های کوچک از شمول قانون کار، یک اصل قرآنی را کنار گذاشت. وی از تصویب این طرح به عنوان مصیبت بزرگ یاد کرد و افزود: با تصویب این طرح کارگران از حداقل حقوق محروم شدند. جلودارزاده مشکل دیگر جامعه کارگری را حضور کارگران خارجی ذکر کرد و از مسئولان دولتی خواست به سرعت وضعیت کارگران خارجی را که موجب از دست رفتن فرصت‌های شغلی شده است، روشن کنند. در پایان این اجتماع کارگری قطعنامه‌ای در ۱۵ ماده صادر شد. در این قطعنامه از جمله آمده است:

با توجه به تحمل سختیهای بسیار در این مقطع حساس انقلاب و حکومت اسلامی، کمترین توقع جامعه کارگری حراست تمام عیار از قوانینی است که می‌تواند بنحوی کرامت انسانی کارگران را حفظ نماید، لذا ضمن محکوم نمودن طرح مصوب اخیر در مجلس شورای اسلامی درخصوص خروج کارگاه‌های با ۵ نفر کارگر و کمتر از شمول قانون کار و تامین اجتماعی مصرانه می‌خواهیم که در اسرع وقت بطریقی فوری و میسر این طرح ضدانسانی متوقف گردد. از آنجائیکه طرح بازنشستگی پیش از موعد سالیان دراز است که بعنوان یک خواست عمومی جامعه کارگری مطرح گردیده است از کلیه نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی مصرانه می‌خواهیم که نسبت به تصویب نهایی این طرح اقدام عاجل بعمل آورند.

ضمن اعتراض شدید به نحوه عملکرد سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی در ارتباط با مسائل کارگری کشور از مدیریت سازمان موکدا می‌خواهیم تا در تامین برنامه‌های تخصصی با حضور در مجامع و کنگره‌های کارگری نسبت به انعکاس نقطه‌نظرات نمایندگان جامعه کارگری اقدام لازم را بعمل آورند.

شرایط بسیار بحرانی ناشی از سو مدیریت بسیاری از واحدهای تولیدی از قبیل نخکار - مبلیران - صنایع چوبی ایران - جواهریان و نابسامانی وضعیت معیشتی هزاران خانوار کارگری در سراسر کشور و برخورد اعجاب برانگیز مسئولین صنعت کشور با این مسئله مهم موجی از نگرانیها را ایجاد نموده است. از دولت محترم مصرانه می‌خواهیم تا در جهت رفع این نگرانی بزرگ جامعه کارگری دستورات لازم را صادر فرمایند.

تفسیری بر یک واقعه

در حاشیه راهپیمایی کارگران به مناسبت اول ماه مه

همانگونه که انتظار می‌رفت، مسئولین برگزاری این راهپیمایی که عمدتاً وابسته به خانه کارگر بودند، کوشیدند اجتماع بزرگ کارگران تهران را که از یکسو متوجه همبستگی بین‌المللی کارگری و از سوی دیگر علیه سیاست‌های ضدکارگری حکومت اسلامی بود، با شعارهای ارتجاعی خود بیالایند و بدین کار تا حدودی هم موفق شدند. طرح شعارهایی در حمایت از ولی‌فقیه، بی‌توجهی مطلق و سکوت نسبت به سرکوب آزادی‌های سیاسی در کشور و حتی طرح ایده‌های بسیار ارتجاعی نظیر تحریک علیه کارگران خارجی (که در سخنرانی خانم جلودارزاده هم مطرح شد)، از جمله این موارد بود که هر چند با بی‌اعتنایی و سکوت اکثریت کارگران همراه می‌شد، اما با پوشش تبلیغاتی که تلویزیون به آن می‌داد، به عنوان خواسته‌های طبقه کارگر ایران وانمود گردید و برخی از این مطالبات ارتجاعی در قطعنامه پایانی راهپیمایی نیز گنجانده شد. در آن سو تلاش‌های گروه‌های پراکنده کارگران برای طرح مسایل عاجل طبقه کارگر ایران از جمله در مورد حق اعتصاب و سندیکاها مستقل کارگری، حمایت از مطبوعات و مخالفت با بازداشت آزادیخواهان ایران، همه جا با کارشکنی و تهدید مسئولان برگزاری راهپیمایی و هوچی‌گری اوباش حزب‌الله روبرو می‌گردید. آلوده کردن تظاهرات بزرگ کارگران ایران به منافع حقیر حکومتی و کشاندن آن در مسیر دفاع از استبداد و ولایت‌فقیه و جلوگیری از طرح مسایل و خواسته‌های مبرم کارگران یک بار دیگر نشان داد تظاهراتی که وابستگان حکومت برپا کنند، هر چند بر خود نام نمایندگان کارگر هم گذاشته باشند، نمی‌تواند بازتاب‌دهنده مطالبات و نیازهای واقعی طبقه کارگر ایران باشد. کارگران ایران برای دفاع از حقوق سندیکایی و سیاسی خود به سندیکاها و احزاب سیاسی مستقل از دولت

و حکومت نیاز دارند و این واقعیت را یک بار دیگر تظاهرات اول ماه مه در تهران به همگان و به ویژه به خود کارگران یادآور شد!

حزب اسلامی کار:

حق اعتصاب برای کارگران!

حزب اسلامی کار روز شنبه در بیانیه‌ای به مناسبت روز جهانی کارگر، خواستار به رسمیت شناخته شدن اعتصاب، به عنوان ((حق طبیعی و مسلم)) کارگران ایران شد. در اطلاعیه این حزب آمده است: همانگونه که کارکردن حق طبیعی هرفردی است، کار نکردن و امتناع از ادامه کار نیز یک حق طبیعی به شمار می‌رود. حزب اسلامی کار افزود: برخلاف تفکر عده‌ای که معتقدند اعتصاب هزینه‌های اقتصادی خردکننده‌ای را به کشور تحمیل می‌کند باید گفت که اعتصاب می‌تواند از زیان‌های بسیار بزرگتری که نادیده انگاشتن حقوق کارگران و شکل‌گیری اعتراضات وسیع کارگری در قالب‌های نامتعارف است، جلوگیری به عمل آورد. در این بیانیه اعتصاب ((یک روش مدنی برای نشان دادن اعتراض)) توصیف شده و از نمایندگان مجلس ششم خواسته است که قانون اعتصاب را برای نهادینه کردن و قانونمند کردن اعتصاب تصویب کنند. حزب اسلامی کار تشکیل اتحادیه‌های صنفی کارگری را از جمله اولیه‌ترین ملزومات و ابزارهای جامعه کارگری در جهت احقاق حقوق و پیگیری خواسته‌های صنفی دانسته و افزوده است که تشکیل اتحادیه‌های صنفی کارگری هم اکنون از روند مطلوبی برخوردار نیست و از حدود ۷۰۰۰ واحد تولیدی که طبق قانون کار می‌توانند شورا تشکیل دهند، تنها حدود ۲ هزار واحد تاکنون موفق به ایجاد شورا شده‌اند. این بیانیه با برشمردن مشکلات مرتبط با بیمه بیکاری و اشتغال نیروهای بیکار، تصریح کرده است، خواسته‌ها و مطالبات جنبش کارگری ایران تنها محدود به مسایل صنفی و معیشتی نیست و کارگران ایران، امروزه به عنوان یکی از اقشار پیشرو دارای اندیشه‌ها و آرا خاص خود در زمینه وقایع سیاسی روز هستند و کارگران ایران همراه جنبش جامعه مدنی از همان آغاز به کار دولت آقای خاتمی همواره همراه و همگام با سیاست‌های کلی دولت بوده‌اند و در عین حال موضع انتقاد سازنده در زمینه‌های اقتصادی را در قالب یک گفتمان مدنی و با تشکیل تشکل‌ها و احزاب خاص خود آغاز کرده‌اند.

اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) تعطیلی روزنامه‌ها را محکوم می‌کنیم

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت روز دوشنبه پنجم اردیبهشت اطلاعیه‌ای در مورد توقیف روزنامه‌ها در ایران منتشر کرد. متن این اطلاعیه به قرار زیر است:

روزنامه‌های فتح و عصرآزادگان و دوهفته‌نامه ایران فردا را تعطیل کردند. تعطیلی روزنامه‌ها به دنبال سخنان خامنه‌ای و حملات تند و بی‌سابقه وی به مطبوعات مستقل و منتقد صورت گرفت. در چند روز اخیر لطیف صفری مدیر مسئول روزنامه لغوماتیاز شده نشاط اکبر گنجی روزنامه‌نگار شجاع و افشاگر باند مافیایی قدرت و ثروت، روانه زندان شدند.

برای عمادالدین باقی پرونده سنگین تشکیل داده‌اند تا وی را محاکمه و محکوم کنند. سخنرانان شرکت‌کننده در کنفرانس برلین را به بازپرسی فراخوانده‌اند.

همراه با این اقدامات، مخالفین اصلاحات موج وسیعی را در سراسر کشور علیه مطبوعات مستقل و منتقد، کنفرانس برلین و علیه اصلاحات سیاسی راه انداخته‌اند و مرتباً نهادها و ارگان‌های وابسته به جناح اقتدارگرا و خشونت‌طلب اعلامیه صادر می‌کنند، تظاهرات راه می‌اندازند، بازار تعطیل می‌کنند و جو رعب و ترس می‌آفرینند. قصد آن‌ها بستن تمام روزنامه‌های مستقل و منتقد که در طی سه سال اخیر در صف مقدم مبارزه علیه اقتدارگرایان و خشونت‌طلبان قرار داشتند، دستگیری چهره‌های مبارز اصلاح‌طلبان و سرانجام متوقف کردن اصلاحات و بازگشت به شرایط سیاسی قبل از دوم خرداد است.

مردم ایران! نیروهای آزادیخواه!

اصلاحات در کشور ما عمیقاً ریشه در الزامات رشد جامعه دارد و جنبشی است ریشه‌دار و عمیق. اقدامات مخالفین اصلاحات هرچند در کندکردن آن می‌تواند موثر افتد ولی قادر نخواهد بود آن را متوقف کند. ما تعطیل روزنامه‌ها و نشریات مستقل و منتقد را محکوم می‌کنیم و از همه نیروهای آزادیخواه و اصلاح‌طلب می‌خواهیم در مقابل یورش همه‌جانبه ارتجاع بایستند، پرچم اصلاحات را افرشته نگاه دارند. خواست ما این است که نیروهای آزادیخواه در خارج از کشور به یاری روزنامه‌نگاران آزادیخواه و اصلاح‌طلب کشور برخیزند و صدای اعتراض خود را علیه بستن روزنامه‌ها بلند کنند.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

۵ اردیبهشت ۱۳۷۹



اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) مقاومت علیه تهاجم به مطبوعات و اصلاحات سیاسی را سازمان دهیم!

برنامه بعدی محافظه‌کاران دستگیری وسیع نیروهای آزادیخواه و اصلاح‌طلب کشور، جلوگیری از تشکیل مجلس ششم و طرح عدم کفایت رئیس‌جمهور در مجلس فعلی است

توقیف مطبوعات مستقل و منتقد ادامه دارد. تاکنون ۱۲ روزنامه و نشریه تعطیل شده است. از مطبوعات مدافع اصلاحات سیاسی در کشور تعداد انگشت‌شماری به حیات خود ادامه می‌دهند که پرونده‌سازی علیه آن‌ها ادامه دارد. تعطیلی ۱۲ روزنامه و نشریه به منزله کودتا علیه مطبوعات و روزنامه‌نگاران مدافع اصلاحات سیاسی است. اقدام خامنه‌ای و نیروهای تمامیت‌خواه برای بستن روزنامه‌ها در تاریخ مطبوعات کشور بی‌سابقه است. آن‌ها می‌خواهند صدای روزنامه‌نگاران کشور را خاموش سازند، مطبوعات مستقل و منتقد را که در صف مقدم مبارزه علیه مخالفین اصلاحات سیاسی و در پیکار برای تامین آزادی‌های سیاسی در کشور قرار دارند، حذف کنند، عناصر موثر اصلاح‌طلبان حکومتی را که در پیشبرد اصلاحات و افشا توطئه‌های اقتدارگرایان و خشونت‌طلبان نقش برجسته‌ای دارند، راهی زندان‌ها سازند، پل‌های ارتباطی بین اصلاح‌طلبان حکومتی و نیروهای آزادیخواه خارج از حکومت را خراب کنند و بدین وسیله اصلاح‌طلبان حکومتی را تضعیف و منزوی سازند و اصلاحات را متوقف گردانند.

نیروهای آزادیخواه و اصلاح‌طلب کشور!

باید در مقابل تهاجم سنگینی که از جانب مخالفین اصلاحات شروع شده، ایستاد و کرنش نکرد. اگر آن‌ها با مقاومت روبرو نشوند، سنگر به سنگر جلو خواهند آمد. برنامه بعدی آن‌ها دستگیری وسیع نیروهای آزادیخواه و اصلاح‌طلب کشور، جلوگیری از تشکیل مجلس ششم و طرح عدم کفایت رئیس‌جمهور در مجلس فعلی است. باید به اشکال مختلف و متقاضی مقاومت علیه تهاجم به مطبوعات و اصلاحات سیاسی در کشور را سازمان داد.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
ششم اردیبهشت ماه ۱۳۷۹

پیام شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به مناسبت روز اول ماه مه

اول ماه مه، روز جهانی کارگر را با اعتراض علیه تهاجم به اصلاحات سیاسی گرامی داریم!

کارگران و زحمتکشان ایران!

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) اول ماه مه، روز جهانی کارگر را به شما تبریک می‌گوید و برایتان آرزوی رسیدن به زندگی انسانی و برخورداری از نعمات آن را دارد. سازمان ما اطمینان دارد که شما در نتیجه مبارزات متحدانه و پیگیرتان به این خواسته‌های برحق خواهید رسید.

کارگران و زحمتکشان!

نگاهی به تمام دوران پس از انقلاب، همچون پیش از آن، نشان‌دهنده تشدید مداوم فشار اقتصادی و محدودیت‌های دم‌افزون ناشی از بحران مزمن اقتصادی کشورمان بر حیات شماست. این فشارها و محدودیت‌ها در سال گذشته نیز بصورت اخراج‌های وسیع از واحدهای تولیدی، کاهش باز هم بیشتر قدرت خرید و تشدید تورم، تعویق پرداخت دستمزد و... زندگی را بر شما دشوارتر کردند. نگاه به دوران پس از انقلاب همچنین نشان‌دهنده تداوم بی‌حقوقی شما برای ایجاد تشکلهای خودی مدافع منافع شما در مبارزه سنگینی که برای تحقق خواسته‌هایتان دارید، نیز هست.

مصوبه مجلس شورای اسلامی دوره پنجم در آخرین روزهای سال گذشته، که به موجب آن واحدهای اقتصادی دارای ۵ نفر شاغل، یا کمتر، از شمول قانون کار معاف شده‌اند، دستبرد دیگری از جانب نیروهای محافظه‌کار و ارتجاعی به حقوق و به زندگی شما بود. نیروهایی که قانون مذکور را به تصویب رساندند همان‌هایی هستند که در سال‌های اخیر به دروغ از لزوم سر و سامان دادن به وضع اقتصاد و اولویت اصلاحات اقتصادی نسبت به اصلاحات سیاسی سخن گفته‌اند.

در مبارزه امیدبخشی که امروز در کشور ما بین اصلاح‌طلبان و آزادی‌خواهان از سویی و محافظه‌کاران از سوی دیگر جریان دارد، محافظه‌کاران شعار ((اول اصلاحات اقتصادی)) را پیشه کردند تا مگر بتوانند راه اصلاحات سیاسی را سد کنند. تصویب قانون مذکور توسط همین نیروها به روشنی پرده از نیرنگ اینان و مخالفتشان با بهبود اوضاع سیاسی و اقتصادی کشور به نفع عموم مردم، به نفع شما زحمتکشان را به کنار می‌زند. هم این نیروها هستند که امروز تهاجم سنگینی را علیه اصلاحات سیاسی و حدودی از آزادی‌های به دست آمده سامان داده‌اند و با تعطیلی بسیاری از روزنامه‌ها و مطبوعات مدافع تغییرات و بازداشت تعدادی از پیکارگران راه اصلاحات و آزادی، بخشی از نقشه وسیعشان را برای بازگرداندن کامل وضع به روال روزهای پیش از ۲ خرداد ۷۶ به اجرا گذاشته‌اند. اینان اگر با مقاومت عمومی روبرو نشوند به پیشروییشان علیه دستاوردهای مبارزه آزادی‌خواهانه و اصلاح‌طلبانه مردم ادامه خواهند داد.

کارگران و زحمتکشان ایران!

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) راه اصلاحات سیاسی و اصلاحات اقتصادی را، خاصه در اوضاع امروز کشورمان، سخت به هم وابسته و در هم تنیده می‌داند. پیشبرد اصلاحات سیاسی، در حالی که ده‌ها میلیون زحمتکش میهنمان با مسئله نان شب دست به گریبانند، نه ممکن است و نه مطلوب؛ از سوی دیگر انجام اصلاحات اقتصادی با ((مشت آهنین)) و بدون فراهم آوردن امکانات مشارکت مردم در امور خویش و در امور جامعه نیز، به گواهی تجربیات بسیار، راه به مطلوب نخواهد برد. خواسته‌های کارگران برای لغو معافیت کارگاه‌های تا پنج نفر شاغل از شمولیت قانون کار و تامین اجتماعی، برای افزایش حداقل حقوق ماهانه به بالاتر از خط فقر، برای تامین حق تشکیل اتحادیه و سندیکاهای مستقل کارگری، برای جلوگیری از اخراج خودسرانه آنان توسط کارفرمایان، خواسته‌های به حق و تاخیر ناپذیرند. وقوف نیروهای طرفدار اصلاحات سیاسی، خاصه نیروهای درون حکومت و نمایندگان اصلاح‌طلب منتخب برای مجلس ششم به این نکته، باید در برنامه‌های دولت و مصوبات مجلس ششم بازتاب روشنی داشته باشد. استبداد ولایت فقیهی سد مقدم اصلاحات در جامعه ماست و تحول جاری در کشور مشخصا این سد را نشانه رفته است. موفقیت در این مبارزه مستلزم همبستگی عمومی است.

شما کارگران و زحمتکشان در اعتراضات گسترده‌تان در سال گذشته به شرایط کار، به قانون ارتجاعی کار، به اخراج‌ها، بیشترین ظرفیت و آمادگی همبستگی را نشان داده‌اید. روز کارگر را به روز همبستگی کارگری برای طرح مطالبات برحق خود، و به روز همبستگی عمومی برای اعتراض به تهاجم علیه اصلاحات سیاسی، توقیف مطبوعات و بازداشت آزادی‌خواهان تبدیل کنید.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

اردیبهشت ۱۳۷۹



با کار تماس بگیرید

شماره فاکس : 0049 - 221 - 331 82 90
شماره تلفن : 0049 - 221 - 932 21 36

<http://www.fadai.org/>
fadai.aksariyat@magnet.at

آدرس کار در اینترنت :
آدرس پست الکترونیکی :

I.G.e.v : آدرس پستی
Postfach 260268
50515 Köln
Germany

تک فروشی : معادل ۴ مارک آلمان
بهای اشتراک :

اروپا : شش ماه ۵۵ مارک ، یک ساله ۱۰۲ مارک
سایر کشورها : شش ماهه ۶۲ مارک ، یک ساله ۱۱۵ مارک

فرم درخواست اشتراک نشریه کار

اشتراک جدید تمدید اشتراک شماره اشتراک :
مدت اشتراک : شش ماهه یک ساله تاریخ :

Name: نام :

Address: نشانی :

.....
.....
.....
.....

فرم را همراه با بهای اشتراک (حواله بانکی یا تمبر)
به آدرس فوق پست کنید!

I.G.e.v : دارنده حساب
22 44 20 32 : شماره حساب
37 05 01 98 : کد بانک
Stadtsparkasse : نام بانک
Köln
Germany